

نشریه بسیج دانشجویی

دانشگاه صنعتی

امیرکبیر

اینگزین

«امت امامت» الگوی عالیله
حکومت الهی

صفحه ۲

از جبهه مستضعفین تا محور
مقاومت

صفحه ۶

پایان مسئولان بی مسئولیت

صفحه ۷

سینمای ایران در انتظار
موج سوم

صفحه ۱۰

شکافی از فرشته تا
دروازه غار

صفحه ۱۱

الگوی مکتب مقاومت

صفحه ۱۲

انسان و تمدن در پرتوی انقلاب اسلامی

صفحه ۸

شماره ۱۲۰

صاحب امتیاز:
بسیج دانشجویی دانشگاه
صنعتی امیرکبیر

مدیر مسئول:
ارشا نامدار ایوبی

سردبیر:
مبین لطفی زاده

هیات تحریریه:
امیرحسین کمانکش/رضا شیرگه
مبین لطفی زاده/علی عبداللهی
محمد صفایی/سبحان دودانگه
مهسا سادات طبائی/پردیس رزاق منش

گرافیک و صفحه آرایی:
سعید نقدی پور/امیرحسین کمانکش

 autbsj

 basijaut

 basijaut

سخن سردبیر

چهل و دو سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می گذرد؛ انقلابی که بدون شک یکی از بزرگ ترین انقلاب های ایدئولوژیک و مردمی در طول تاریخ بشریت بوده است. تداوم هر انقلاب و هر نظامی، بدون حضور مداوم مردم و حفظ و صیانت از آن میسر نخواهد بود. حضور مردم در انتخابات ها یکی از امکان های نظام های مردم سالار برای تحقق بخشیدن به این امر است. در این میان انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده، بستری تعیین کننده برای چهار یا هشت سال آینده جمهوری اسلامی است. رهبر معظم انقلاب بارها بر این نکته تأکید فرمودند که علاج مشکلات فعلی کشور روی کار آمدن یک «دولت جوان حزب اللهی» است. مؤلفه ها، خصوصیات، بایدها و نبایدهای دولت جوان حزب اللهی خود نیازمند تحقیق و تأمل بیشتر است اما نکته ای که این روزها مکرراً در فضای سیاسی کشور دیده شده و احتمالاً در آینده هم دیده خواهد شد، مصادره به مطلوب این مفهوم توسط جریان های متخلف سیاسی داخل کشور است. جریان های مختلف هر کدام مدعی نسخه ای از دولت جوان حزب اللهی هستند که شاید بیشتر آن ها بر اساس منافع حزبی و نه بر اساس منافع حقیقی مردم شکل گرفته باشد. تبیین معنا و خصوصیات این مفهوم برای مردم و تمیز دادن اصل از فرع رسالتی است که اگر به درستی انجام نگیرد، منجر به انتخاب نسخه های قلابی خواهد شد و سرانجامی جز سکون، ناامیدی و مشکلات بیشتر برای جمهوری اسلامی و مردم آن نخواهد داشت.

"امت امامت" الگوی عالی‌ه حکومت الهی

امیرحسین کمانکش
کارشناسی مهندسی معدن

که همان باطل است قرار بگیرد خود احتیاج به حاکمیت و حاکمی دارد که جامعه را در مسیر نیل به الوهیت خداوند متعال که حق مطلق است راهبری کند تا تمام اعمال آن جامعه مؤمن را در چارچوب الوهیت قرار گیرد. دین اسلام از ابتدای ظهور و بروز بصورت اجتماعی با بیان الگوهای شخصی به دنبال به جریان انداختن حکومت الهی و مقابله با حکومت طاغوت بوده است. حکومتی که امروزه با توجه به رهنمودهای دینی و سیره اولیا مدل سازی می‌شود مدل حکومت امت امامت است



یکدیگر بوده‌اند. مفهوم حق و مفهوم باطل. مفاهیمی که خواه ناخواه تمام کردار و زندگی بشر در ذیل یکی از این دو قرار می‌گیرد. جامعه مؤمن تحت ولایت حق و جامعه غیر مؤمن تحت ولایت باطل هستند. از آنجایی که جامعه مؤمن نباید تحت ولایت طاغوت

قرار می‌گیرد، به صورتی که امت حکومت و سرپرستی ولی فقیه را که در طول ولایت الهی است را با ایمان می‌پذیرد و با او بیعت می‌کند. امام در "امت امامت" بر اساس دو مؤلفه‌ی مشروعیت و مقبولیت است که حکومت را تشکیل می‌دهد. مشروعیت خود را از صلاحیت، حقانیت، ایمان و هدایت الهی دریافت می‌کند و با بیعت مردم جامعه اسلامی مقبولیت پیدا می‌کند و به پشتوانه همین دو حکومت اسلامی در غالب "امت امامت" تشکیل می‌دهد. یکی از تفاوت‌های اساسی نظام امت امامت و جمهوریت‌های مدرن در شیوه نقش آفرینی مردم در نظام حکومتی است. در حالی که در این حکومت‌ها از مردم فقط برای به حکومت رسیدن و تثبیت قدرت‌ها استفاده می‌شود، در مدل "امت امامت" مردم علاوه بر واگذار کردن حکومت به امام، متقابلاً و در ارتباطی مستمر ناظر بر حاکم خود هستند و در مواقع نیاز امام خود را تنها نمی‌گذارند و دلسوز او هستند و امام هم با خیرخواهی برای امت سعی در رساندن جامعه به کمال حقیقی دارد. اسلامی "امت امامت" با تمام نظام‌های حاکمیتی غیر از آن در تعیین فلسفه سیاسی جامعه مشخص می‌شود و آن هم این نکته است آیا نظام سیاسی بر مدار عبودیت استوار است یا انانیت؟ و فرض دیگری هم قابل‌تصور نیست چراکه

انسان یا از بندگی خدای متعال آزاد است و نظام سیاسی خود را برای حکومت طراحی می‌کند و یا طرح و اجرای حکومت خود را مقید به بندگی خداوند می‌داند. و این مرز بین عبودیت و انانیت است که تمیز دهنده نظام سیاسی الهی از حکومت طاغوت است. "امت امامت" از قرآن و احادیث و سیره معصومین و شیوه رفتار پیروان و شاگردان ایشان برداشت شده است و برای اولین بار در طول تاریخ اسلام در انقلاب اسلامی در حال مدل سازی و پیاده شدن است. و وسیله ایست برای رسیدن به حکومت آرمانی اسلام که برخورداری بشر از حداکثر فیض الهی و رسیدن به کمال حقیقی رادر پی دارد.

نظام سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی نظام امت و امامت است و حق این است که با هیچ یک از این عناوینی که در کتاب‌های حقوق سیاسی یا حقوق اساسی آمده قابل تطبیق نیست. ... ما فکر می‌کنیم عنوان نظام ما باید نظام امت و امامت باشد. منتها، در اثنای انقلاب، چون این عنوان هنوز برای توده مردم روشن نبود، به عنوان شعار اول «حکومت اسلامی» انتخاب شد که بسیار هم خوب و گویا بود و سپس وقتی معلوم شد این نظام حکومتی رئیس‌جمهور هم دارد آنوقت گفته شد «جمهوری اسلامی». ولی نام راستین و کامل این نظام، نظام امت و امامت است.

شهید بهشتی

اپیزود اول :
جنگ صلیبی

« ای عیسی مسیح اگر در آسمان خدایی نظر به شهر ارومیه کن و بین این جانوران که تو را به خود بسته و از تعالیم تو هیچ نمی‌دانند چطور آبرویت را می‌برند ، خدایا بلایی نازل نما این‌ها و مرا نابود کن ، شرم دارم به کسی بگویم مسیحی هستم. » این صداییست که به مجسمه بر جا مانده از مسیح ، روح معنا می‌بخشد ، مردی که کلیسا را پناهگاه مردم مسلمان و مسیحی شهر کرده تا از کشته شدن آن‌ها در برابر هم دینی‌هایش جلوگیری کند ، کشیشی به نام خلیفه سانتاغ بود اما این کشیش تنها توانسته بود همسایه‌هایش را از سیل کشتار مردم شهر نجات دهد . در این اتفاق تنها مردم شهر ارومیه غارت نشده‌اند بلکه جیلولوق‌های مسیحی که به شهر یورش برده بودند هم مورد غارت و سوءاستفاده قرار گرفته‌اند، با این تفاوت یکی جان و مالش و دیگری ذهنش غارت شد. تنها تبدیل کینه ی جیلولوق‌ها از مسلمانان عثمانی به دشمنی با تمام مسلمانان می‌تواند از آوارگان مسیحی عثمانی ارتشی برای هجوم و غارت مناطق مختلف بسازد که این غارت فکری توسط انگلیسی‌ها انجام شده بود و آن‌ها را مسلح کرده بود

(اپیزود دوم صفحه‌ی ۶)

اساساً در تمام مدل‌های حکومتی جهان غیر از اسلام اساس تشکیل حکومت برای رفع و تامین نیازهای مادی جامعه است و تجمیع و نقش آفرینی مردم هم در همین راستا شکل می‌گیرد و به همین طریق حکومت‌هایی بر اساس خواست فردی و جمعی مردم به وجود

اپیزود دوم :

تیر خلاص

اجتماعی از روحانیون عمامه به سر و عبا به دوش به کنسولگری آمریکا می روند تا در برابر مردی که تا دیروز دین را مهربانی تعریف می کرد و دنبال صلح و دوستی بین مسلمانان و مسیحیان بود، این مرد کشیش مسیحی به نام ویلیام امبرس شد بود ، بنشینند و از او درخواست کنند که با میانجی گری او شهر را از حملات گاه و بی گاه جیلولوق ها نجات دهند اما غافل از آن که امروز این کشیش ، لباس مدافع آمریکا را به تن کرده و آرمان های خود را به فراموشی سپرده . او درخواست بزرگان شهر را پذیرفت تا با همراهی چند تن از مسلمانان برای مذاکره بروند. شرط مذاکره تحویل سلاح های مردم به کنسولگری آمریکا تعیین شده بود و بزرگان شهر که پذیرفتن شرط را تنها راه نجات مردم شهر می دانستند ،این شرط را پذیرفتند و مردم ارومیه را خلع سلاح کردند اما این مذاکره کمی مسخره به نظر می رسید زیرا این مستر شد بود که علاوه بر انگلیسی ها، جیلولوق ها را مسلح کرده بود و از آن ها ارتشی ساخته بود . این مذاکره نه تنها جلوی حملات جیلولوق ها را نگرفت بلکه با خلع سلاح مردم ، گستاخی آن ها را برای جنایات بیشتر ترغیب کرد

(اپیزود سوم صفحه‌ی ۸)

از جبهه مستضعفین، تا محور مقاومت

رضا شیرگه

کارشناسی مهندسی هوافضا

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، سال ۱۳۵۷، بر پایه شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی شکل گرفت. امت انقلابی خواسته های مشخصی داشتند که پیام های واضحی را به دنیا مخابره کرد. یکی از آن پیام ها و اصولی که مردم انقلابی نه در شعار که عملا بر آن تاکید داشتند، استکبارستیزی بود.شکل گیری جبهه واحد مستضعفین در مقابل مستکبرین از ایده های تاریخی بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی و نیز رهبر معظم انقلاب بوده و هست. این نگاه از همان ابتدای شکل گیری ایده جمهوری اسلامی وجود داشته به عنوان مثال امام (ره) در سال ۱۳۵۸ در یک سخنرانی می فرمایند که : «ای مستضعفان جهان! پیا خیزید و خود را از چنگال ستمگران جنایتکار نجات دهید. و ای مسلمانان غیرتمند اقطار اسلام! از خواب غفلت برخیزید و اسلام و کشورهای اسلامی را از دست استعمارگران و وابستگان به آنان رهایی بخشید». محوریّت این ایده، تشکیل هسته‌های مقاومت در تمامی جهان بوده که اصطلاح محور مقاومت (تشکیل دهندگان جبهه مستضفین در منطقه) اصلی ترین و واضح ترین نمود معاصر این ایده است. یکی از مهمترین چالش‌ها در زمینه بررسی عملکرد جمهوری اسلامی در منطقه، نحوه ارتباط‌گیری نظام با دولت‌ها و ملت‌های منطقه است. طبق چیزی که از فرمایشات امام (ره) می‌توان برداشت کرد عمق استراتژیک انقلاب اسلامی، ملت‌ها بوده و نیز هدف ما تلاش برای ایجاد یک اجماع جهانی مردم محور علیه نظام سلطه بوده‌است. حال سوال اینجاست نقش ملت‌های منطقه در جبهه‌ای که تحت لوای محور مقاومت شکل گرفته‌است چیست و به چه میزان وجهه نهضتی این ایده به عنوان حرکتی مردم محور پیشرفت کرده‌است ؟ مردم چقدر خود را در این مقاومت سهیم دانسته و اساسا آیا نقشی برای آنها در این مقاومت در نظر گرفته شده‌است ؟در یکی از نظرسنجی‌هایی که از مردم منطقه درباره همکاری و رابطه با ایران شده بود، اکثریت مردم این کشورها موافق همکاری با ایران در حوزه های نظامی و امنیتی بوده و همکاری در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی را خیلی ترجیح نمی دادند. رای آوری عرصه‌ای که در آن عامه مردم کمترین نقشی نداشته و عمده نقش آفرینی آن را نهادها و یا دولت‌ها برعهده دارند خود تاییدی بر این نکته است که مردم منطقه نسبت خود با ایده مقاومت را ندانسته و درکی از آن ندارند. عده‌ای بر این باور بوده که جمهوری اسلامی در تشکیل جبهه مستضعفین بسیار عملگرا بوده و خیلی زود به دنبال کسب نتایج در کف میدان نبرد بوده‌است. بدین ترتیب که ما قبل از صدور زمینه های معرفتی و

۶

۷

پایان مسئولان بی مسئولیت

مهسasadات طبائی

کارشناسی مهندسی صنایع

تکرر رفت‌وآمد مسئولینی که فلسفه وجودیشان خدمت و حل مشکلات مردم است و بی‌نتیجگی در برطرف‌شدن مشکلات حین این رفت‌وآمدها، آرام و آهسته اعتماد عمومی مردم به مسئولان را کاهش داده است؛ چرا که بخش زیادی از وضعیت جامعه ما متأثر از مدیران و نظام حکمرانی‌ست و مسئولین، متهمین اصلی تلقی می‌شوند. نمودی از این مسئله پای صندوق‌های رأی انتخابات مجلس خود را نشان داد؛ همین مسئله‌ی مشارکت پایین که قطعاً مسئله‌ای مهم‌تر از انتخاب‌شوندگان است. بنابراین امروز نظام با چالش نیروی متعهد و متخصص مواجه شده، چالشی که حضور افراد برجسته در اوایل پیروزی انقلاب همچون رهبری، شهید مطهری، شهید بهشتی و… را در خاطر زنده می‌کند.می‌توان این چالش را از دو بعد کلی مورد بررسی قرار داد؛

- چنین اشخاصی اکنون نیز وجود دارند اما در نبود شایسته سالاری نمود پیدا نمی‌کنند. چطور تفاوت شایسته از ناشایسته برای یک جایگاه مشخص می‌شود؟ ابزار اصلی که برای این گزینش استفاده می‌کنیم در لایه مدیران میانی، آزمون ها و مصاحبه‌های استخدامی‌ست و این مدیران جذب‌شده در ساختار رشد می‌کنند و به مدیران ارشد و عالی‌رتبه کشور تبدیل می‌شوند. در مقابل این آزمون‌ها اما، جمع کثیری از افراد قرار گرفته‌اند برای تصاحب جایگاه پرمزیتی که تقریباً لزومی به پاسخ‌گویی در مقابل عملکرد نیز برای آن‌ها مطرح نیست. در این شرایط آزمون‌هایی که از روش طرح سوالات عقیدتی و نگاه به ظواهر استفاده می‌کنند و خود عامل ایجاد نفاق در جامعه هستند، آیا می‌توانند تفاوت فرد شایسته و فرد منفعت‌طلبی را که به دنبال جایگاه پرمزایاست تشخیص دهند؟! خیر. راه‌کار اولیه‌ای که به ذهن می‌رسد تلاش در ایجاد کارایی بیشترِ ابزار گزینش است اما واضحاً این راه‌کار مسئله را از بنیان حل نمی‌کند بلکه صرفاً تسکین‌دهنده است،اگر از زاویه دیگری به مسئله نگاه کنیم، می‌توان به جای تغییر در شرایط گزینش، شرایط جایگاه را تغییر داد تا خود به خود، تنها افراد شایسته برای تصاحب جایگاه مدیریت اقدام کنند و شایسته‌سالاری اعمال شود. باید تناسبی ایجاد کرد میان عایدی مسئولین و عملکرد و ارزش‌افزوده‌ای که توسط ایشان خلق شده است. لازمه‌ی اعمال این شرایط ایجاد شاخص‌های شفاف ارزیابی عملکرد، متناسب با یک کمیت قابل سنجش برای هر مسئولیتی‌ست. در این صورت خیل عظیم متقاضیان مناصب کاهش میابد؛ چرا که پس از مشاهده عملکرد و

خروجی نامطلوب بر اساس شاخص‌ها، مزایایی به فرد تعلق نمی‌گیرد. همچنین با عزل از منصب، فرد اعتبار اجتماعی خود را نیز از دست می‌دهد.

- نظام، عملکرد ضعیفی در راستای کادر سازی و رشد نیروی انقلابی داشته است. در بسیاری از کشورها کادرسازی برای جایگاه‌های مدیریتی در دل احزاب شکل می‌گیرد. حزب‌ها، عملکرد نهادی را دارند که افراد، جذب آن شده و با فعالیت در آن رشد می‌کنند و شایستگی‌های خود را به چالش می‌کشند و از درون همین حزب‌ها مدیران عالی رتبه سربرمی‌آوردند. اما شرایط کشور ما به دلایل متعددی مناسب شکل‌گیری چنین احزایی نیست، خصوصاً بعد از تجربه تلخ حزب جمهوری و خلق فدایی و… . در سال‌های ابتدایی انقلاب بسترهای دیگری ایجاد شد که این نقش را ایفا می‌کردند؛ نهادهای انقلابی که بستر مناسبی بود برای فعالیت افراد و نمایان‌شدن شایستگی‌های فردی آن‌ها، نهادهایی مثل جهاد سازندگی که از دل آن افراد برجسته‌ای خارج می‌شد. اما پس از مدتی با هدف ایجاد سازوکاری دقیق‌تر و نیز بحث‌های امنیتی و شناخت بیشتر افراد، نهادهای خودجوش مردمی از بین رفت و نهادهای رسمی شکل گرفت؛ همانطور که جهاد سازندگی به وزارتخانه تبدیل شد. گرچه آن هدف محقق شد اما تبعاتی به همراه داشت؛ چون باندبازی، جذب با روابط، فساد و از همه مهم‌تر حذف حضور پرشور جوانان و آن بسترهای کشف صلاحیت و رشد افراد. به این ترتیب جای خالی محیطی که افراد در آن بدون وصل‌بودن به نهادهای رسمی صلاحیت خود را به نمایش بگذارند و به جایگاه‌های بالاتر برسند باقی ماند. برای رفع این معضل باید تلاش بر احیا و بازتولید نهادهای انقلابی و تعریف کارویژه آنان و همچنین تعریف شاخص‌های عینی از صلاحیت نمود. ظرفیت جذب افراد مستعد در تمام مناطق(نه فقط نقاط مرکزی)، بر اساس این شاخص‌ها فراهم شود؛ مانند اتفاقی که در جشنواره عمار رخ داد و به این افراد عرصه فعالیت بدون حضور آقابالاسر(!) و سختگیری‌های دست‌وپاگیر داده شود تا نظام شاهد رشد استعدادها و استفاده از ظرفیت‌ها شود.

ای مالک، بدان که تو را به بلادی فرستاده ام که پیش از تو دولت ها دیده، برخی دادگر و برخی ستمگر و مردم در کارهای تو به همان چشم می نگرند که تو در کارهای والیان پیش از خود می نگری و درباره تو همان گویند که تو درباره آن ها می گویی و نیکوکاران را از آنچه خداوند درباره آنها بر زبان مردم جاری ساخته، توان شناخت.باید بهترین اندوخته ها در نزد تو، اندوخته کار نیک باشد. پس زمام هواهای نفس خویش فروگیر و بر نفس خود، در آنچه برای او روا نیست، بخل بورز که بخل ورزیدن بر نفس، انصاف دادن است در آنچه دوست دارد یا ناخوش می شمارد. مهربانی به رعیت و دوست داشتن آن ها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز. چونان حیوانی درنده میاش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان دو گروهند یا هم کیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش.

نهج البلاغه

انسان و تمدن در پرتوی انقلاب اسلامی

مبین لطفی زاده
کارشناسی مهندسی کامپیوتر

اپیزود سوم:
دادگاه بی قانون

همه مردم احساس می کردند مستر شد علیه رای دادگاه اعتراض کند تا از کشته شدن هزاران آدم بی گناه جلوگیری کند اما سکوت کرد، این سکوت مستر شد بیشتر از پیش به همه ثابت کرد که دیگر آن کشیش میانجی گر و صلح طلب نیست و تنها کنسولگر آمریکا ست. سکوت در برابر رای به قصاص مردم ارومیه در برابر کشته شدن یکی از کشیش های میانه روی جیلوق ها به دست اشترار قوای عثمانی جرقه ای بود که آتشش تمام شهر را سوزاند. روز چهارشنبه ۲۹ اسفند ماه سال ۱۲۹۶ به مدت ۱۲ ساعت جان و مال و ناموس مردم شهر در اختیار جیلوق ها است این رای قصاص مردم ارومیه در ازای کشته شدن یک کشیش بود، در این روز ده هزار نفر از مردم شهر کشته می شوند. اما این کشتار نه تنها جلوی این ارتش را نمی گیرد بلکه اطمینان خاطری برای حمله به دیگر شهر ها به آن ها می دهد

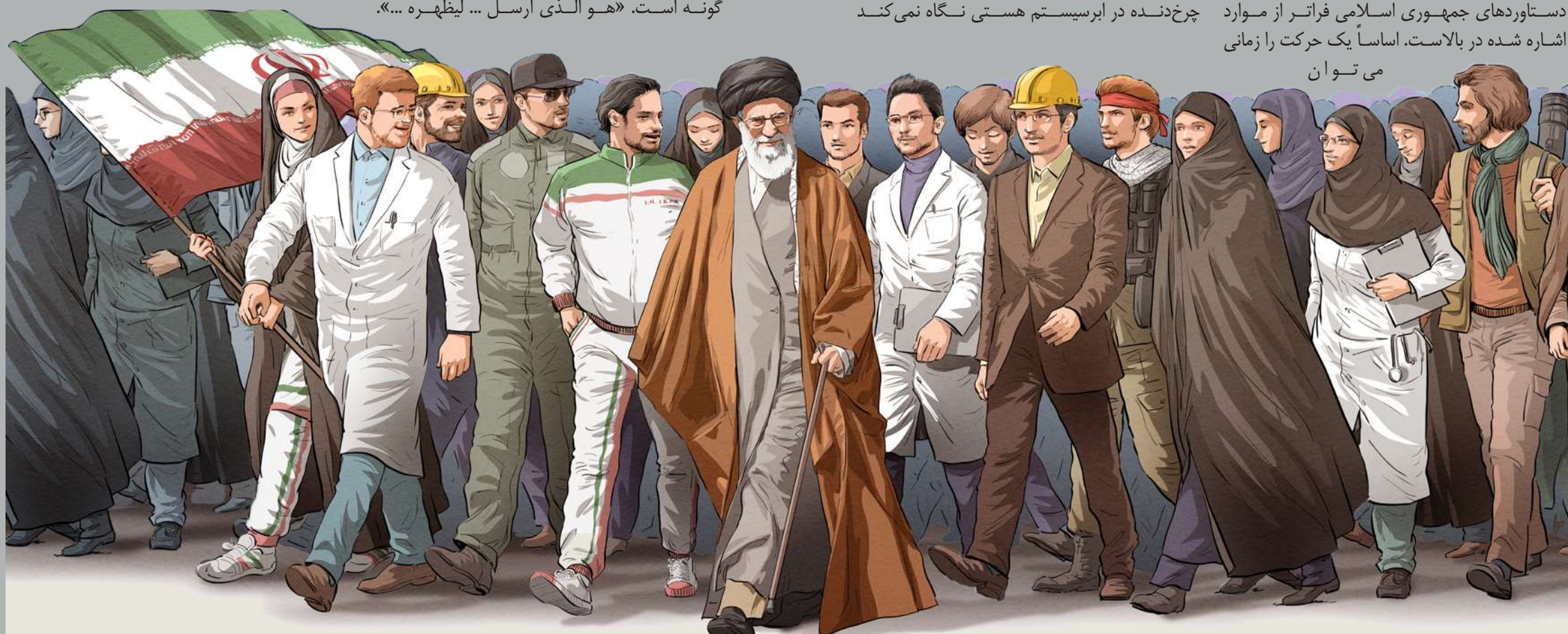
(اپیزود چهارم صفحه ی ۱۰)

شاید یکی از تکراری ترین کارها در دهه فجر انقلاب اسلامی، نشان دادن دستاوردهای جمهوری اسلامی در عمر حدود چهل ساله آن باشد. دستاوردهایی از جنس نانو، موشک، سلول های بنیادی و ...؛ مواردی که به نظر می رسد بیشتر آورده های انقلاب اسلامی در حوزه علم و تکنولوژی را مطرح می کنند و شامل حوزه های دیگر نمی شود. صحبت از این دستاوردها -که به حق کوچک نیستند- نمی تواند دید جامعی از انقلاب اسلامی به ما بدهد و این تک بعدی دیدن یک نهضت، ما را به اشتباه وامی دارد؛ آن جا که پرسیده می شود: راستی اگر همان رژیم محمدرضاشاه ادامه می داشت، ما شاهد چنین دستاوردهایی نبودیم؟ حتی می توانستیم به واسطه ارتباطات تجاری بهتر و نامحدودتر با سایر کشورها، از وضع فعلی هم فراتر برویم و اگر انقلاب اسلامی را درست فهم نکرده باشیم، پاسخ به چنین سوالاتی برای ما دشوار می نماید. با یک نگاه جامع تر، می توان دریافت که دستاوردهای جمهوری اسلامی فراتر از موارد اشاره شده در بالاست. اساساً یک حرکت را زمانی می توان

به نهضت اجتماعی و یا انقلاب تعبیر کرد که سبب دگرگونی نسبتاً وسیع و نسبتاً عمیقی در شرایط حال حاضر اجتماع شود. پیشرفت در حوزه تکنولوژی اگر چه بسیار مهم است، اما این آن چیزی نیست که انقلاب اسلامی را انقلاب کرده است. در یک تقسیم بندی سنتی، دستاوردهای انقلاب اسلامی را می توان به دو حوزه کلی فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد. نگارنده بر این باور است که با یک ادبیات بهتر، این دو حوزه را می توان «انسان» و «تمدن» نامید. در حوزه انسان در یک کلام باید گفت که انقلاب اسلامی یک مکتب انسان ساز است. انقلاب اسلامی از آن جا که برخاسته از نهاد اسلام است، انسان را به عنوان اشرف مخلوقات ارج می نهد، هدف و استعدادهای او را می شناسد و در نتیجه او را به سمت حقیقت (آن چه که متناسب با ارزش اوست) راهبری می کند. انقلاب اسلامی برخلاف انقلاب صنعتی و نظامات برخاسته از آن، انسان را به مثابه چرخ دنده در ابرسیستم هستی نگاه نمی کند

بلکه مبتنی بر «و سخر لکم ما فی السماوات و ما فی الأرض جمیعاً منه» هستی را رام انسان و انسان را چیره بر هستی می داند. این نوع نگاه به انسان، مجال بروز و ظهور کامل استعدادهای او را فراهم کرده، او را خلاق و پیش رو بار آورده و در صورت خواست او، او را قدم به قدم تا به حقیقت پیش می برد. این جاست که انقلاب اسلامی افرادی خستگی ناپذیر و نیکوسیرت از مطهری و بهشتی تا چمران و صیاد را در دامن خود پرورش می دهد؛ انسان هایی که زندگی شان سرشار از حرکت به سمت حقیقت هستی است تا آن که به مقصود خود رسیده و در راه او به شهادت می رسند. در حوزه تمدن، در ابتدا باید گفت که اسلام ادعای داشتنِ طرحی برای زندگی اجتماعی را دارد و اساساً معتقد است که اسلام کامل در بستر اجتماع و نه در کنج خلوت به منصه ظهور می رسد. ثانیاً باید به این نکته توجه کرد که همان گونه که انسان ساخته شده توسط اسلام بی نهایت طلب است، خود اسلام هم این گونه است. «هو الذی أرسل ... لیظهره ...».

اسلام آمده است تا بر همه ادیان دیگر غالب گردد. از طرفی هیچ گاه ندیده ایم که پیامبری از تعداد پیروان خود احساس قناعت کرده باشد و آن را کافی بداند. هم چنین هیچ گاه هدایت الهی مخصوص قشر خاصی از مردم نبوده است و همواره همه مردم مخاطب دعوت پیامبران قرار گرفته اند. این ها همه ما را به این معنا می رساند که هدف پیامبران استقرار اسلام به صورت جهان شمول و گسترده بوده است؛ این همان چیزی است که در نهایت امر ما را به تمدن اسلامی می رساند؛ تمدنی که در صورت توسیع در همه وجوه می تواند یک الگوی ایده آل زندگی را ایجاد کند. در نهایت باید به این نکته توجه کرد که دو امر انسان و تمدن به هیچ وجه قابل تفکیک و مرزگذاری مشخص نیستند. چرا که هر یک بدون وجود دیگری معنای خود را از دست خواهد داد. انسان بدون داشتن تمدن و بدون زندگی متمدن بسیار به وجوه حیوانی خود نزدیک شده و تمدن بدون انسان کالبدی بدون روح خواهد بود.



سخن اصلی و مهم اینجاست که ما در زمان و مکانی بسیار حساس و اثرگذار قرار داریم و پیمودن صحیح مسیر بین دو تمدن الهی اسلامی، می تواند سهم تاریخی ما در یک جامعه متکامل باشد. در این مسیر، توجه به محورهای نظیر گرایش به حق و عدالت، نیروی محرکه تمدنی، تربیت انسان، پرورش عقلانی با محوریت بصیرت، تزکیه نفس و رشد و پرورش اراده، پرورش روح عبودیت و حس نیایش در آثار شهید مطهری (ره) به وضوح خود را نشان می دهد. نتیجه مهم مطلب این است که تمدن اسلامی به هیچ عنوان نباید تمدنی غفلت ساز باشد. در جامعه اسلامی روح عبودیت در ابعاد و ارکان جامعه جریان دارد و انسان ها در کنار آنچه با تلاش و تفکر کسب می کنند، همواره یاد خدا هستند و این یاد الهی از مشخصات بارز این جامعه است.

شهید مطهری

اپیزود چهارم:
بصیرت پیشوا

سکوت همه شهر را فرا گرفته هیچ کس در کوچه ها نیست مردم به مسجد پنهان برده اند آن خبر حرکت ارتش جیلولوق هارا به سمت خوی را شنیده بودند، ترسی تمام وجودش را در برگرفته بود، این بار فتولی عجیب شیخ فضل الله حجت الاسلام و قسا برلهمیم مجتهد بود که به مردم لیلی بری مبارزه می داد. روزه گرفتن در این روز بر هر مرد وزن مسلمان که تون مقلبله با دشمن را در د حرام است این فتولی بی سلبه در میله رمضان ۱۳۹۷ بود که لگیزه مقولومت و دفاع از شهر را در مردم بر فروخت وقتی مردم زنجیرهای تنها توپ شهر را بر دوش علمان خود دیدند فهمیدند حرف مقولومت تنها سخنی بر منبر مسجد نیست بلکه اعتقادی است که آلمهای متفولوت را متحد می کند و به صحنه می آورد نتیجه مقولومت مرلمان شهر خوی نه تنها غارت و تجلوز نبود بلکه با همان توپ قدیمی شهر تولستند جلوی غارت شهر را بگیرند. راه حل شرایط امروز و فردا را می تولن در تحلیل اجتماعی و سیلسی ولعیت تاریخ جست.

محمد صفایی

کارشناسی ریاضیات کاربردی

سینمای ایران در انتظار موج سوم

پردیس رزاق منش
کارشناسی مهندسی پلیمر

قرآن، معجزه پیامبر بزرگ اسلام، بزرگ ترین و کامل ترین نماد هنر است؛ پر از تمثیل ها و داستان سرایی ها و پندها. با وجود این عقبه و علاوه بر آن با فرهنگ قوی ایرانی که نمود آن در آثار شاخصی چون شاهنامه پیدا است، از هنر ما در قرن ۲۱م انتظار بیشتری می رفت! در سراسر دنیا، سینما و به طور کلی هر شاخه ای از هنر تاثیرات مستقیمی از حاکمیت و فرهنگ جامع آن کشور می گیرد اما نکته قابل توجه در کشور ما، تفاوت محتواهای تولیدی با آنچه باید، است. یکی از علت های این اتفاق، نپرداختن رسانه های ملی به خصوص تلویزیون به مشکلات جامعه و در کنار آن محتوای بی فایده ای است که برای مخاطب تولید می کند و در این بین مخاطب جوان که در جستجوی معنا و اطلاعاتی برای درک و تحلیل آن است، به جز رجوع به رسانه های بیگانه و فضای مجازی چاره ای نمی بیند. آیا در سال های اخیر با کمبود فیلم های خوب و پر محتوا مواجه بوده ایم؟ بنا بر آمار سالیانه ی سینما در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۷.۵ درصد از فیلم های تولیدی در ژانر دفاع مقدس بوده است. همین آمار در سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب به ۷ و ۲ درصد می رسد که می توان این کاهش شدید را در ۳ سال ذکر شده به وضوح مشاهده کرد. البته گفتنی است در ۳ سال گذشته فیلم ها، سریال ها و ویژه برنامه های تلویزیونی دقیق تر و پر محتواتری تولید شده اما هنوز برای پاک کردن رد تاثیر رسانه های غربی و فضای مجازی نظیر اینستاگرام، توییتر و تلگرام از ذهن مردم به ویژه کودکان و نوجوانان که در مسیر رشد و تعالی هستند، برنامه ی جدی و افراد دغدغه مندی نیاز است. اگر بخواهیم با ارقام و اعداد سخن بگوییم، باید گفت ۷ سال اول بعد از انقلاب، سینما و رسانه میانه ای شکل گرفته بود و در جهتی حرکت می کرد که هم مخاطب را راضی نگه دارد و هم اینکه دچار انحراف و افزایش محتوای غیرمجاز نشود؛ محتوایی که هیچ محدودیتی ندارد اما در مقطعی این روند تغییر کرد. در زمانی که کشورهای غربی سلاح ها و مهمات جنگی را برای صدام

فرهنگ و ادبیات



می فرستادند، از سوی دیگر فیلم های ایرانی را در جشنواره های مختلف خود تقدیر می کردند و این فرایند خود جای تأمل داشت. می توان گفت دلیل آن این است که انقلاب اسلامی به عنوان مردمی ترین انقلاب جهان برای مردم حرف دارد و جهان منتظر بود ببیند این مردمی که انقلاب کردند چه کسانی هستند و این رهبر پر صلابت کیست که آمریکا را شیطان بزرگ می خواند و بدون لحن لیبرال یا مارکسیستی در یک فضای میانه از انقلاب و اسلام حرف می زند؟ از شهید آوینی اینطور نقل می شود که " سینما زبان مفاهمه ی ما با جهان است؛" یعنی ما می توانیم فرهنگ ایرانی_اسلامی و آنچه به عنوان عقاید و باورهای ما شناخته می شود را به گوش دنیا برسانیم، با سواد سینمایی خود از باقی کشورها پیشی بگیریم و در عرصه های مختلفی روحیه ی اصیل ایرانی را نشان دهیم! آوینی بر این عقیده بود که اگر سینما قرار است بر یک مخاطب ویژه تمرکز کند و سینمای اجتماعی _ فلسفی در ایران ما طرفدار پیدا کند، این اتفاق به نوعی رکب خوردن سیاست گزاران داخلی است که سینمای ما را دچار رکود می کند و زبان مفاهمه مذکور را بیش از همیشه کاهش می دهد. در زمانی که غالب مردم سینما را تنها به بعد هنری می شناختند، آوینی و همراهانش تلاش کردند بعد صنعتی سینما را هم روی کار آورند. بعد از مرحله اول و دوم اقدامات آوینی، حتی پس از شهادت ایشان، شاهد پیشرفت خوبی در سینمای ایران بودیم اما اکنون گمان می رود این اقدامات به یک مرحله ی سوم قوی تر نیز نیازمند است که بتواند وجه سرگرم کنندگی سینما و ارتباط خود با مخاطب را حفظ کند. همه ما می دانیم که فرهنگ و تمدن، یک دوره ی کوتاه مدت نیست، بلکه برای تاثیر مثبت بر روح و جان جامعه، برنامه ی منظم و از پیش تعیین شده ای برای ۳۰ سال آینده ی نسل انقلاب اسلامی باید تبیین کرد. خوشبختانه ایران عزیزمان، با تربیت جوانانی آگاه و کودکانی پر انرژی، توان رشد در زمینه های هنری مختلف را دارد که خود امیدی بزرگ در راستای عملی کردن هدف های جامعه است. لذا انتظار می رود که افراد مربوط به این حوزه، تلاش روزافزونی در برگرداندن روحیه انقلابی و ملی گرایی هنر و به خصوص سینما داشته باشند.

ما امروز ظرفیت ساخت فیلمان بحمدالله بالا است. من به آقای دکتر روحانی - همین تازگی، چند وقت پیش - عرض کردم یک فیلمی را من دیدم؛ حقا و انصافا از لحاظ اسلوب و خوش ساختی و سبک کار شبیه فیلم های خوب هالیوود. این مهم است که ما الان این ظرفیت را داریم در کشور [که] میتواند پیام رسانی کند، میتواند حرف های درست را منتقل بکند. فیلم هم چیز جذابی است؛ سینما خیلی عنصر جذابی است، رسانه ی فوق العاده ای است، یعنی واقعا الان هیچ چیزی مثل سینما نیست از لحاظ اثرگذاری؛ خب روی این زمینه کار بکنید؛ کارهای ابتکاری بکنید.

مقام معظم رهبری(مد ظله)

الگوی مکتب مقاومت

سبحان دو دانگه
کارشناسی مهندسی عمران

مکتب را روش، سبک و منظومه فکری یک فرد، نهاد یا مجموعه ای نامیده اند. مکتب در برگرفته ایدئولوژی، جهان بینی، فلسفه و تفکر، اندیشه ورزی و اقدام و عمل است که براساس تعریف «فرهنگ لاروس» مکتب، آن چیزی است که در جمعی نفوذ یافته و آنان علاقه به اجرا و بیان آن دارند.در مورد مکتب شهید سلیمانی، اولین ویژگی که ذهن ما متصور می شود، جامعیت بلکه جمع اعداد بودن ایشان هست؛ جامعیتی که از عقلانیت بر می آید. پس عقلانیت پایه شخصیت ایشان است. در مکتب حاج قاسم سلیمانی عقلانیت حرف اول را می زند و اگر این مکتب زیبایی ها دارد، به دلیل زیبایی عقلانیت و حکمت است. شهدا بر اساس عقلشان شجاعت پیدا می کردند، و شجاعت رزمندگان ما از سر احساسات نبود، بلکه از سر عقلانیت بود. ایشان وقتی که می گفت اگر این کار را انجام بدهیم، حتما موفق می شویم، به دلیل عقلانیتش بود. کسانی که مرعوب می شوند، به دلیل نداشتن عقل است. دارا بودن صفای باطن و مهربانی و لطافت روحی در کنار صلابت و حماسه سازی که ایشان در میدان جنگ نسبت به دشمنان داشت، ترکیب زیبایی می آفریند. اگر سردار مهربان بود، بر اساس یک خصلت شخصیتی فردی نبود، بلکه عقلانیت دینی ایجاب می کرد که مهربان باشد و خدمت بکند. اگر ایشان نمی ترسید، به خاطر عقلانیت دینی است که کار را به دست خدا می داند. اگر شهید سلیمانی مذاکره کننده ی قوی در دیپلماسی بود، به خاطر عقلانیتی است که از دین پیدا کرده بود که باید مذاکره کننده ی قوی باشد. اگر سردار سلیمانی مقاومت می کرد، چون می دانست هزینه ی مقاومت کمتر از سازش است. این یک گزاره عقلانی است، اگر مقابل آمریکایی ها قدرتمندانه نیروها را بسیج می کرد و موفق می شد، به خاطر عقلانیتی بود که به ایشان می گوید دشمن ضعیف است و کدخدا نیست. اگر سردار سلیمانی ولایت مدار است، به خاطر ضعف شخصیتی و یا هم جهت بودن و همسو شدن نیست، بلکه ایشان یک صلابتی داشت که می توانست برای خودش صاحب نظر باشد، و در سخنانش اعلام استقلال بکند. اینکه ایشان ذره ای از ولایت مداری کوتاه نمی آمد، به این معنا بود که با این کار به ولایت مداری عزت می داد و میزان و شاخص ولایت مداری را برای جامعه تعیین می کرد تا هر کسی میزان ولایت مداری خودش را با مکتب و جامعیت ایشان مقایسه کند و متوجه نقص هایش بشود.خیلی از افراد صفات سردار سلیمانی را دارند. حتی ممکن است بعضی ها اخلاص ایشان را هم داشته باشند، ولی حماسه ساز نباشند. ممکن است بعضی ها صلابت در مقابل دشمن را داشته باشند، ولی آن روحیه ی عاطفی شدید و تواضع و فروتنی فوق العاده را نسبت به دیگران نداشته باشند. همه ی این صفات و ویژگی ها در کنار همدیگر جمع می شوند و پدیده ای به نام سردار سلیمانی را درست می کنند. چهار رکن اصلی:

۱. ولایت مداری، ۲. اخلاص، ۳. مقاومت در مقابل دشمنان ۴. و فروتنی و مهربانی نسبت به ضعیفان، نیز ارکان «مکتب حاج قاسم» را تشکیل می دهند. مردم نباید چنین تصویری داشته باشند که با شهادت سردار سلیمانی، مظهر عظمت و اقتدار ما تمام شد. سیاستمداران تربیون به دست ما باید جلوی این تصورات را بگیرند. اگر امروز صدایی جز صدای مقاومت در کشور ما شنیده بشود نه تنها خیانت به خون سردار سلیمانی است ، بلکه خیانت به خون همه ی شهدا است.



شکافی از فرشته تا دروازه غار

علی عبداللهی
کارشناسی مهندسی کامپیوتر

امروز در دورانی زندگی میکنیم که شکاف های اجتماعی در جمهوری اسلامی پس از گذشت ۴۲ سال از انقلاب اسلامی به اوج خود رسیده است و یکی از مهمترین نشانه های آن اعتراضات دی ماه ۹۶و اوج آن آبان ۹۸ بود که خاستگاه آن طبقات پایین تر جامعه بود. طبقاتی که روزی حامی اصلی انقلاب بودند و بدون شک جمهوری اسلامی بدون حفظ این جریان حامی خود مشروعیت نخواهد داشت . اما به راستی ریشه ی این شکاف های اجتماعی از کجاست ؟ ریشه این نفرتی که قشر مستضعف جامعه نسبت به قشر برخوردار جامعه دارد کجاست؟ بدون شک این شکاف ها حاصل یک دولت و حاصل عملکرد چند سال اخیر دولت روحانی نیست .هرچند این دولت این شکاف ها را شدیداً افزایش داده است .ریشه ی ابتدایی این شکاف های اجتماعی را دردولت هاشمی می توان یافت. دولتی که در های کشور را به روی کالا های لوکس خارجی گشود دولتی که شعارش مانور تجمل بود دولتی که اقتصاد آزاد سرلوحه ی کارش بود . دولتی که همزمان مردم توانمند جامعه را به مانور تجمل تشویق میکرد و بین مردم مستضعف جامعه کوپن پخش میکرد. همچنین در این دولت از سال ۶۸ تا ۷۲ واردات کشور ۴ برابر شد .همچنین طبق آمار واردات خودرو از سال ۶۵ تا ۷۲ ۳۰۰ برابر شد . این سیاست ها تورم را در دولت مرحوم هاشمی به بیش از ۴۹ درصد رساند. در سالهای بعد از هاشمی نیز این سیاست ها کم و بیش ادامه یافت که اوج آن در سال های اخیر و در دولت روحانی بود. دولتی که رسماً بیان میکند تا جایی که مردم صدایشان بیرون نیامده می توان اجناس را گران کرد .دولتی که رسماً دولتمردانش ابایی از پورشه سواری و واردات چندین هزار میلیاردی ندارند . دواتمردانی که خانه هایشان تماما در نقاط اعیان نشین تهران واقع شده است .دولتمردانی که خود را ارباب و مردم را رعیت خود میدانند. مقصر این شکاف های اجتماعی یک حزب و گروه سیاسی نیست بلکه از هاشمی تا قالیباف در این فاصله ی طبقاتی مقصرند

.وقتی به عملکرد اصولگرایانی چون قالیباف می نگریم آنها هم مقصر وضع موجودند. وقتی در شهر تهران برای یک پروژه ی عمرانی چندین هزار طبقه تراکم به فروش میرسد موجب به وجود آمدن اموال چندین هزار میلیاردی با بهترین برند های دنیا میشود. این اموال و این ساختمان های مجلل در شهری به وجود آمده اند که دروازه غار ها در آن خود نمایی میکند این مالها و این توسعه ی بدون نگاه به عدالت اسلامی با تهران کاری کرد کارستان . شکافی را در تهران به وجود آورد به وسعت آبان ۹۸ اختلافات طبقاتی امروز جامعه ی ایران چه در سطح حاکمیتی و چه در سطح مردم جامعه نهادینه شده است و تبدیل به گزاره ای شده است که کسی اعتراضی به آن ندارد و به نظر میرسد این تبعیض امری رایج و عادیسـت. مصداق بارز این امر استان های مرزنشین کشور است علی الخصوص استان سیستان و بلوچستان . در استان سیستان و بلوچستان خوردن آب از هوتک امری رایج است و هیچ جای تعجب و اعتراضات مردمی ندارد .اما اگر یک ساعت آب تهران قطع شود تمام حاکمیت و مردم برای آن بسیج میشوند . کپسول های گاز در سیستان امری رایج است اما قطعی یک ساعته ی گاز در تهران یک بحران است. اینها همه مصداقیست برای اینکه این اختلافات طبقاتی در جامعه ی ما تبدیل به یک فرهنگ شده است. فرهنگی که نام آن را میتوان از فرشته تا دروازه غار و از تهران تا هوتک های سیستان و بلوچستان گذاشت. این دور بودن اقشار مختلف جامعه از یکدیگر که تبدیل به یک فرهنگ شده است در آینده ای نزدیک خواه ناخواه منجر به بحران های اجتماعی و امنیتی برای جمهوری اسلامی خواهد شد، چون نمی توان جامعه ای را مدیریت کرد که مردمانش نه تنها هیچ ارتباطی با هم ندارند و زبان یکدیگر را نمیفهمند بلکه حتی نمیتوانند خود را یک ملت بدانند. در نهایت مقصر این شکاف بزرگ اجتماعی را یک دولت ندانیم بلکه ریل گذاری ای در کشور بدانیم که بیش از سه دهه است تمامی جناح های سیاسی کشور به آن پایبندند.

از جمله ی چیزهایی که مردم را به بهشت نزدیک میکند، بهبود معیشت مردم است؛ کاذبُ الْفَقْرُ آن یَکُونُ کُفراً. (۱) جامعه ای که در آن فقر باشد، بیکاری باشد، مشکلات معیشتی غیر قابل حل وجود داشته باشد، اختلاف طبقاتی باشد، تبعیض باشد، شکاف طبقاتی باشد، حالت آرامش ایمانی پیدا نمیکند. فقر، انسانها را به فساد میکشاند، به کفر میکشاند؛ فقر را باید ریشه کن کرد. کار اقتصادی، فعالیت اقتصادی باید به طور جدی در برنامه های مسئولین قرار بگیرد، که خب امروز بحمدالله مسئولین دنبال این چیزها هستند. فکرها را باید منتظم کرد، راه را باید درست تشخیص داد، درست باید حرکت کرد.

مقام معظم رهبری (مد ظله)

(عقلانیت پایه شخصیت شهید سلیمانی است)

(کسانی که می گویند ما نمی توانیم ، یعنی عقلانیت ندارند.)

(اگر شهید سلیمانی مذاکره کننده ی قوی در دیپلماسی بود ، بخاطر عقلانیتی است که از دین پیدا کرده بود)

(شهید سلیمانی، هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش شکست داد.)

(او نمونه ی برجسته ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود.)

(در مسائل داخل کشور اهل حزب و جناح و مانند اینها نبود، لکن بشدت انقلابی بود.)

"شما برای انعکاس بنویسید"

مسابقه یادداشت نویسی
باموضوع :

نقش آفرینی دانشجو در پیشبرد مسیر تمدن
سازی گام دوم در "انقلاب اسلامی"

یکی از یادداشت ها به قید قرعه در شماره بعدی انعکاس
منتشر خواهد شد.

مهلت ارسال : ۱۰ اسفند



آدرس ارسال یادداشت @enekas_aut

